

میامی، فلوریدا. چند ماه بعد.

کاسیوس، داشتم به این فکر می‌کردم چرا «سانی لیستون» بالاخره قبول کرد که با تو بجنگد. و نمی‌فهمم چون رقیب خوبی هستی قبول کرد...

... یا اگر بخواهد مسخره‌ات کند؛ چه! من هنوز نمی‌توانم باور کنم که تو واقعا به خانه او رفته‌ای.

آنجلو، نه تنها با او مبارزه خواهم کرد، بلکه او را شکست هم خواهم داد. من با عقلم از او را شکست خواهم داد. من حتی قبل از اینکه وارد رینگ مبارزه شوم، او را شکست خواهم داد.

من در حال مطالعه مبارزات قدیمی لیستون هستم.

او برای پیروزی سریع می‌رود. من فکر نمی‌کنم او برای یک مبارزه طولانی آماده باشد، آنجلو.

اگر بتوانم از ناک اوت زود جلوگیری کنم، فکر می‌کنم می‌توانم او را خسته کنم.

می‌توانم انرژی‌ام را برای دوره‌های بعدی ذخیره کنم و سپس او را شکست دهم.